روزنامه‌نگاری مستقل و حرفه‌ای در محاق

# روزنامه‌های دولتی و «مساله» تغییر سیاست‌های رسمی

پژمان موسوی

قرار بود «اسفندیارمان بهار بیاید» اما نه‌تنها او نیامد که «صبح روحانی‌مان» هم «به خیر شد»؛ روحانی آمد و دولت یازدهم جای دولت دهم را گرفت، همان‌طور که هشت‌سال پیش دولت نهم جای دولت هشتم را گرفت و روزی روزگاری در همین خیابان پاستور، محمود احمدی‌نژاد به جای سیدمحمد خاتمی بر مسند ریاست‌جمهوری نشست. همان‌طور که آن زمان در سال ۸۴ روزنامه‌های دولتی، یک‌شبه «تغییر سیاست» دادند و «جور دیگر» شدند، روزنامه‌های دولتی که اتفاقا این بار تعدادشان بسیار هم بیشتر از ۸۴ بود، باز هم یک‌شبه تغییر سیاست دادند و «جور دیگر» شدند تا مردمی که هر روز پای گیشه‌ها از «اسفندیار» و «محمود» می‌خواندند، این بار از «تدبیر و امید» بخوانند. «ایران»، «خورشید» و البته «شهروند» به‌عنوان مثلث طلایی رسانه‌ای دولت دهم، با روی کار آمدن دولت یازدهم، به‌کلی تغییر سیاست دادند و «راه دیگر» در پیش گرفتند؛

ایران | خورشید | شهروند

سخن در این بین اساسا از نوع این تغییر جهت و سمت‌وسوی گردانندگان این روزنامه‌ها نیست که «آزادیخواه» هستند یا «محافظه‌کار و تمرکزگرا» بلکه سخن به تمامی این است که این تغییر و تحول‌ها و این آمدن و رفتن‌ها، چه نسبتی با روزنامه‌نگاری حرفه‌ای و حقوق صنفی روزنامه‌نگاران ایران دارد؟ تغییر سیاست‌ها و جور دیگر شدن‌ها تا چه حد محدودکننده و نافی استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاران ایران است و این مساله چه پیامدها و تبعاتی را برای روزنامه‌نگاری مستقل ایران به‌دنبال دارد؟ آیا چاره کار اخراج تیم قبلی و روی کار آوردن تیم جدید و همسو است؟ آیا تزریق سیاست‌های دستوری و اعمال خط مشی‌های جدید به تیم سابق برای «همراه»شدن با مدیریت جدید راهگشاست؟ آیا به حاشیه راندن تیم سابق برای برعهده گرفتن کارهای کم‌اهمیت‌تر و در دست‌گرفتن سرویس‌ها و گروه‌های حیاتی این رسانه‌هاست که راه چاره است؟ تکلیف این دوگانگی چه می‌شود؟ چه کسی باید پاسخگوی دوگانگی ایجادشده برای خبرنگاران باشد؟ موازین حقوقی و حقوق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران در این خصوص چه موضعی دارد؟ مردم و افکار عمومی به‌عنوان مخاطبان اصلی این روزنامه‌ها در این بین چه واکنش و نگاهی به این تغییر و تحول‌ها دارند؟ آیا آنها با این حجم تغییرات مثبت یا منفی، اساسا می‌توانند به خبرنگاران و نویسندگان یک روزنامه اعتماد کنند و باز هم پیگیر مطالب و نوشته‌های آنها باشند؟ صفحه رسانه «شرق» تلاش کرده است نیم‌نگاهی داشته باشد به این «مساله» و نوع مواجهه با آن... .

# روزنامه‌نگاری مستقل در محاصره مطبوعات دولتی و شبه‌دولتی

حسین افخمی*

مطبوعات در جوامع معاصر از نهادهای قدرتمند اجتماعی محسوب می‌شوند و کشوری را نمی‌توان یافت که بدون مطبوعات هویت ملی داشته باشد. در کنار اهمیت رسانه‌ها به خصوص مطبوعات بحث اقتصاد رسانه‌ها حایز اهمیت است تا بدانیم گردانندگان رسانه‌ها و مطبوعات با بهره‌گیری از منابع موجود چگونه خواسته‌ها و نیازهای اطلاعاتی مخاطبان، آگهی‌دهندگان و جامعه را برآورد می‌کنند؟ نظام مطبوعات به سه شکل قابل بحث است.

۱- روزنامه‌های دولتی که مطبوعات در ایران خاستگاه دولتی دارد. شاید الان خبرگزاری‌ها و رادیو و تلویزیون همین خاستگاه را داشته باشند.

۲- روزنامه‌های حزبی که در این نظام مطبوعات به عنوان ارگان احزاب به عنوان یک اصل پذیرفته شده است.

۳- روزنامه‌های تجاری که به خبر به عنوان کالایی برای کسب سود بیشتر نگاه می‌کنند. اما در ایران هیچ‌وقت به مطبوعات به عنوان بنگاه تجاری توجه نمی‌کنند. مطبوعات در ایران بیشتر خاستگاه دولتی و حزبی داشته است. در دوره کوتاه‌مدت ۱۳۳۲-۱۳۲۰ روزنامه تجاری حزبی داریم و بعد از سال ۱۳۳۲ روزنامه‌نگاری ما به الگوی دولتی برمی‌گردد. مثل دو روزنامه اطلاعات و کیهان که به طور مستقیم و غیرمستقیم به اقتصاد دولتی وصل‌اند و در ظاهر کارکرد تجاری و سیاسی دارند. روزنامه رستاخیز، ارگان تنها حزب آن زمان، روزنامه آیندگان که الگوی روزنامه خصوصی بود و مدیر مسوول آن وزیر می‌شود و روزنامه «پیغام» روزنامه اقتصادی که دولتی بود. در مقایسه با مطبوعات دوره پهلوی سوالی که مطرح می‌شود این است که در طول ۳۵ سال انقلاب اسلامی روزنامه‌های ما چه وضعیتی دارند؟

اگر روزنامه‌ای ادعای تجاری‌بودن و یا حزبی‌بودن می‌کند چرا به طور شفاف و دقیق دخل‌وخرج و کمک مالی احزاب و سهم آگهی‌ها را مشخص نمی‌کند؟ روزنامه‌های دولتی که الان با همان الگوی قدیم اما در شکل مدرن به حیات خود ادامه می‌دهند ملغمه‌ای از نظام‌های قبلی هستند که در آن روزنامه‌ها هم کمک دولتی و رانتی دریافت می‌کنند و در صف روزنامه‌های دولتی هستند و هم از درآمد آگهی‌ها استفاده می‌کنند و به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم حمایت مادی احزاب و گروه‌های سیاسی را پشت‌سر خود دارند. در اینجا اولین مساله‌ای که وجود دارد بی‌توجهی به مخاطب است. مردم نمی‌توانند متوجه این نکته شوند که پیام و مطلب روزنامه‌ها از چه خط‌ومشی‌ای نشأت گرفته و هویت آنها چیست؟ از طرف دیگر در این سیستم خبرنگار تبدیل به یک کارمند مطبوعاتی بوروکراتیک می‌شود که نمی‌تواند هویت مستقل حرفه‌ای داشته باشد.

مساله دیگر روزنامه‌نگاری امروز سیستم نظارتی است. چه کسی و با چه مکانیسمی بر عملکرد خبرنگار، روزنامه‌نگار، مدیرمسوول یا ارگانی که مطبوعاتی را اداره و اقتصاد آن را تامین می‌کنند نظارت دارد؟ و اگر چنین سیستمی هست چند گزارش از نحوه این نظارت در اختیار مخاطبان قرار گرفته است؟ مشکل زمانی به وجود می‌آید که بخواهیم ساختار مطبوعات را به صورت شفاف تحلیل کنیم، آن وقت نمی‌توانیم بگوییم این نهاد توانسته نقش نظارتی بر رفتار دولت و قدرت داشته باشد و دیده‌بان واقعی اجتماعی باشد. چون این نهاد خود وابسته به اقتصاد و ارگان دولتی است. از طرف دیگر تیراژ آن در نتیجه درآمد تک‌فروشی و درآمد آگهی‌ها برمبنای تیراژ معلوم نیست. عدم‌شفافیت در اقتصاد یعنی یک معضل واقعی برای مطبوعات و نتیجه آن یعنی عدم‌استقلال. شرایط ایده‌آل برای مطبوعات آن است که اقتصاد و مالکیت مطبوعات کاملا شفاف باشد. در دنیا بر اساس احزابی که به قدرت می‌رسد روزنامه‌اش دیدگاه حزب حاکم را منتشر می‌کند. اما در ایران به دلیل نبود نهادهای مستقل و مدنی و احزاب خط‌مشی روزنامه‌ای یک‌شبه عوض می‌شود و یا در درون یک دولت هر سازمانی برای خود روزنامه مستقل یا به نوعی بولتنی که با رانت دولتی در گیشه عرضه می‌شود را داریم، تنها چیزی که فراموش می‌شود مخاطب است و فراوانی بودجه دولتی برای تبلیغ سازمان دولتی. در حالی که اگر خوب دقت کنیم باید بگوییم روزنامه فلان سازمان در درون دولت با کدام روزنامه دولتی یا غیردولتی رقابت می‌کند؟ روزنامه باید موضع داشته باشد، بدون موضع‌گیری روزنامه چه پیامی برای مخاطب خود دارد؟ این رقابتی است بی‌حاصل در درون دولت که اصل وحدت رویه یک دولت و اعضای آن را زیر سوال می‌برد وگرنه لزومی به انتشار نشریه متعلق به سازمان‌ها نیست و عرصه را برای رقابت روزنامه‌های خصوصی تنگ می‌کند. روزنامه رکن چهارم دموکراسی است و باید از رکن‌های دیگر مستقل باشد و ناظر بر آنها؛ اما روزنامه‌نگاری مستقل در ایران در محاصره مطبوعات دولتی و شبه‌دولتی است و نجات از این شرایط شفافیت در اقتصاد و اعلام دقیق تیراژ و قبول نظارت را طلب می‌کند و در کنار آن وجود نهادهای مستقل صنفی و حرفه‌ای که حقوق مادی و معنوی روزنامه‌نگاران را تامین می‌کند، لازم است.

*استاد ارتباطات دانشگاه علامه‌طباطبایی

# روزنامه‌هایی که یک‌شبه «عوض» می‌شوند

بهروز گرانپایه*

تغییر یک‌شبه جهت‌گیری روزنامه‌ها در ایران هرچند پدیده‌ای نادر محسوب می‌شود اما چندان عجیب نیست. با تغییر رییس‌جمهور و رییس دستگاه اجرایی کشور، مواضع روزنامه و رسانه نیز به کلی دستخوش تغییر و دگرگونی می‌شود و سمت‌وسوی متفاوت و گاه متضادی پیدا می‌کند. این وضع ناشی از دولتی‌بودن رسانه‌های ماست. رسانه‌ها، روزنامه‌ها و مطبوعات ما عموما یا دولتی هستند یا به نحوی وابسته به دولت. دولتی‌بودن روزنامه‌ها در ایران ریشه تاریخی دارد. مطبوعات در ایران، اساسا دولتی و حکومتی متولد شده‌اند و این مشکل در ۲۰۰سال اخیر همچنان به قوت خود باقی است. مساله این است که دولت‌ها پیوسته مانع از شکل‌گیری نهاد مستقل و خصوصی مطبوعاتی در کشور شده‌اند.

در گذشته دولت‌ها خود را قدرت تامه می‌دانستند و سخن منتقد و مخالف را تاب نمی‌آوردند. بنابراین مطبوعات یا سخنگوی دولت‌ها بودند یا ملزم بودند تا در چارچوب دیدگاه‌ها و مواضع دولت سخن بگویند. دولت‌ها با چنین بافت و رویکردی معمولا هیچ نوع انتقاد و نظر مخالف با مواضع رسمی دولتی را تحمل نمی‌کردند و اگر نشریه‌ای مستقل از دولت در بخش خصوصی منتشر می‌شد و رویکردی انتقادی در پیش می‌گرفت با سانسور و توقیف خود مواجه می‌شدند. اکثریت روزنامه‌ها و مطبوعات امروز ما نیز همچنان صبغه و ماهیت دولتی دارند و به اعتبارات و رانت‌های دولتی و به بودجه و اعتبار نفتی وابسته هستند. به همین دلیل است که با تغییر مدیریت کلان کشور، مواضع روزنامه نیز بلافاصله و یک‌شبه دگرگون می‌شود. این مساله چند پیامد دارد:

۱- ما همچنان شاهد روزنامه‌هایی «بی‌هویت» هستیم که مقام و موقعیت ملی را هم با خود یدک می‌کشند. از سوی دیگر اساسا فاقد روزنامه‌های مستقل و متعلق به بخش خصوصی هستیم که به صورت نهادی بلندمدت در کل کشور تاسیس شده باشند. هیچ نهاد مطبوعاتی غیردولتی در کشور که ۴۰،۵۰سال عمر کرده باشد، نداریم. عمر روزنامه غیردولتی متعهد به انجام مسوولیت صنفی و پایبند به رسالت حرفه‌ای و اجتماعی، اگر به ۱۰، ۱۵سال برسد، یک معجزه به حساب خواهد آمد. روزنامه‌ها در ایران اگر دولتی هم نباشند، روزنامه‌ای نیمه‌خصوصی وابسته به سازمان‌های دولتی و بخش عمومی یا احزابی هستند که غیرمستقیم از بودجه دولتی ارتزاق می‌کنند. روزنامه‌های دولتی به همین دلیل تغییر مقطعی مواضع و دیدگاه‌ها و رویکردهای خود قادر نیستند به‌عنوان روزنامه و رسانه اثرگذار و معتبر در سطح ملی فعالیت خود را گسترش دهند و تثبیت کنند.

۲- تاثیر دیگر این وضع بر اعضای صنف و حرفه روزنامه‌نگاری و رسانه است که در این نهادها فعالیت می‌کنند. این وضع، مانع از برخورداری آنها از هویت مستقل صنفی می‌شود و روزنامه‌نگار را به کارمند بوروکرات و وابسته تبدیل می‌کند. خبرنگار و روزنامه‌نگاری که موظف باشد در چارچوب دستورالعمل سازمانی خبر و گزارش تهیه کند و با تغییر مدیریت، ناگزیر به تغییر ادبیات و لحن گفتار و نوشتار خود باشد کمتر می‌تواند یا اصلا نمی‌تواند توانمندی و استعداد خود را در این حرفه نمود و بروز دهد و بیشتر به مثابه کارمند و بوروکراتی نمایان می‌شود که از اصل خویش بازمانده است. به نظر من کارکنان این نوع نهادهای مطبوعاتی و رسانه‌ای به «مسخ شخصیتی» دچار می‌شوند و به رغم اینکه باید استعداد، توانمندی و خلاقیت خود را در این حرفه نشان دهند، مجبور می‌شوند به یک نوع زندگی کارمندی در چارچوب و ضوابطی تن دهند که از استقلال و هویت واقعی خود دور شده و قطعا افرادی که نخواهند درگیر این شخصیت شوند عمر کوتاهی دارند.

قطعا این تفسیر جنبه مطلق ندارد و به موازات چاپ و انتشار روزنامه‌های مستقل در کشور پیوسته شاهد حضور نیروهای حرفه‌ای و وفادار به مسوولیت‌های حرفه‌ای بوده‌ایم.

۳- از دیگر پیامدهای تغییر رویکرد مطبوعات و رسانه در سطح جامعه، ازدست‌رفتن «اعتماد مخاطب» است. مخاطب یک روزنامه یا رسانه چگونه به اخبار و اطلاعات یک رسانه اعتماد کند، در حالی که این رسانه تا دیروز مدافع تام و تمام یک رییس‌جمهور، دولتش، وزرایش، مواضع و اقداماتش بوده و ناگهان یک‌شبه تغییر موضع می‌دهد و متفاوت و متضاد با گذشته سخن می‌گوید؟ آیا مخاطب به این رسانه به‌عنوان یک نهاد اطلاع‌رسانی منصف، معتبر و مستقل اعتماد و توجه می‌کند؟ اعتماد به رسانه در شرایطی به دست می‌آید که مخاطب احساس کند در همه حال شاهد اطلاع‌رسانی شفاف و بدون سانسور، انتقاد از فساد و عملکرد نامطلوب دستگاه‌های اجرایی از جانب رسانه و روزنامه هستند.

*روزنامه‌نگار

نگاه

# پیمان‌های دسته‌جمعی نیاز روزنامه‌نگاری ایران

مسعود هوشمندرضوی*

تغییر در خط‌مشی و سیاست‌های کلی یک نشریه که معمولا در پی تغییرات مدیریتی در آن روی می‌دهد و به‌تبع آن اخراج یا فراهم‌آوردن زمینه استعفا یا ترک کار نیروهای حرفه‌ای و بعضا قدیمی‌تر نشریه که یا خودشان موافق مشی و سیاست جدید نیستند یا مدیریت جدید، تمایلی به همکاری با آنان ندارد، از جمله مرسوم‌ترین نوع شکایاتی است که همواره از سوی روزنامه‌نگاران و شاغلان مطبوعات به‌خصوص کسانی که در نشریات وابسته به دولت کار می‌کنند، مطرح می‌شود. به‌عنوان کسی که از پایه‌گذاران کمیته حل اختلاف انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران بوده‌ام و پرونده‌های بیشماری را در حوزه روابط کارگری و کارفرمایی پیگیری کرده‌ام، به جرات می‌گویم که پس از توقیف مطبوعات و پدیده «جوانمرگی» روزنامه‌ها، «تغییرات مستمر مدیریتی» در نشریات، دومین دلیل بیکاری ارادی و غیرارادی قاطبه کارکنان شاغل در بخش‌های مختلف مطبوعات محسوب می‌شود. آنچه در این بین جالب‌توجه به‌نظر می‌رسد، الگوی رفتاری واحدی است که از سوی مدیران مطبوعات در قبال پالایش کارکنانشان اتخاذ می‌شود. این الگوی پالایشی که به دو شکل «آشکار» و «پنهان» مورد استفاده قرار می‌گیرد، هیچ‌گونه ارتباطی به گرایش سیاسی و فکری مدیران مذکور ندارد و صرفا شدت و ضعف اقدامات اجرایی و استفاده بیشتر یا کمتر از یکی از دو الگو، می‌تواند تابع این دسته از گرایش‌ها باشد. همچنین دولتی یا غیردولتی بودن نشریه نیز می‌تواند بر شدت و ضعف اقدامات پالایشی، در مطبوعات تاثیرگذار باشد. در این بین و از حیث انتخاب نوع و محل کار، اما تفاوت چندانی بین روزنامه‌نگاران و کارکنان مطبوعات وجود ندارد و پس از هرگونه تغییر مدیریتی، به‌غیر از عده‌ای معدود، سرنوشت دیگر روزنامه‌نگاران به دست مدیران جدید با رویکردهایی متفاوت با قبلی‌ها، رقم می‌خورد. این موضوع یکی از مصادیق بارز «ناامنی‌شغلی» در مطبوعات است که امکان هرگونه نگاه حرفه‌ای و درازمدت را به حرفه روزنامه‌نگاری سخت و بعضا ناممکن می‌سازد. در این بین، استدلال صاحبان جراید شنیدنی است. در یکی از جلسات حل اختلاف انجمن صنفی، از یکی از صاحبان جراید که یک روزنامه‌نگار پیشکسوت را به دلیل نوع نگاه وی، کنار گذاشته بود، علت را جویا شدیم. وی در پاسخ گفت: « اگر کسی می‌خواهد چیزی را برخلاف نظر و خط‌مشی ما بنویسد می‌تواند برود و با سرمایه خودش روزنامه‌ای تاسیس کند و هر چه می‌خواهد بنویسد»

ادامه در صفحه ۱۴

گفت‌وگو

حسن نمکدوست تهرانی در گفت‌وگو با «شرق» پیشنهاد داد

# پایه‌گذاری سنت «استعفا بر اساس قید وجدانی»

لیلا ابراهیمیان

**می‌گویند امروز، روز نویی است. جامعه مطبوعات می‌خواهد قبای تازه بر تن کند و مدیری تازه خواهد آمد. شاید و شاید دستی بر سر و روی غبار گرفته بکشد، اما برخی می‌خوانند «خوش‌خیالی». تحولات یک‌شبه، این فکر را بیشتر دامن می‌زند. گویی عده‌ای با ثبات عقیده بیگانه‌اند. اصولا این نهاد زاده آزادی است. اما تنها فراموش‌شده این عرصه برای بعضی‌ها اعتماد مخاطبان است؛ سرمایه‌ای که آب حیات نام گرفته. راستش مساله اصلی آمدن و رفتن دولت‌ها نیست. جدال بی‌حاصل در عرصه مطبوعات مشکلات بنیادینی است که بنیاد دارند. رکن چهارم دموکراسی، رکنی که ناظر سه رکن دیگر است و خود از بی‌نظارتی در امور خود آسیب دیده. در اینجا خبر از تکاپو و امید هم بدهی «مطبوعات دولتی» یا «دولتی‌بودن مطبوعات»، همان آفتی است برای حرفه‌ای‌شدن این رکن و نتیجه یعنی کارمند بوروکراتیک. در موسم تغییر خط‌مشی ناگهانی، «دوئل روزنامه‌نگاران» با خود شروع شده، یا می‌مانند یا به خط جدید نشریه خود می‌روند. «قید وجدانی» و سهیم‌بودن در مالکیت رسانه‌ها هم جایی برای طرح ندارند. درباره این دغدغه‌ها و نسبت تغییرات در سیاست‌های رسمی با حقوق حرفه‌ای و هویت مستقل صنفی با دکتر حسن نمکدوست‌تهرانی گفت‌وگویی را ترتیب داده‌ایم که در ادامه می‌خوانید...**

**آقای دکتر؛ بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری و شروع به‌کار دولت جدید فصل نقل و انتقالات در روزنامه‌ها هم شروع شده است و روزنامه‌ها خط کلان سیاسی خود را عوض کرده‌اند. لطفا بفرمایید از نظر حقوق صنفی و حرفه‌ای چقدر مدیران‌مسوول روزنامه‌ها می‌توانند چنین کاری را انجام دهند؟**

البته منظور شما حتما روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های متعلق به دولت است؛ یعنی روزنامه ایران، خبرگزاری ایرنا و خبرگزاری ایسنا. چون روزنامه‌هایی مثل موسسه‌های کیهان و اطلاعات یا جام‌جم به قاعده مدیریت‌شان پابرجاست و تا پابرجاست تغییر خط‌مشی هم نمی‌دهند. وضعیت موسسه همشهری در تهران و شهرآرا در مشهد هم بستگی به نتیجه انتخاب شهردار دارد. روزنامه‌های دیگر، مانند خود شما، طبعا تغییر جدی خط‌مشی نخواهند داشت. البته در اینکه روزنامه ایران و خبرگزاری‌های ایرنا و ایسنا و موسسه همشهری نهادهای مهم رسانه‌ای هستند و تغییر خط‌مشی‌شان می‌تواند بسیار تاثیرگذار باشد، هیچ تردیدی وجود ندارد کمااینکه موسسه همشهری بزرگ‌ترین موسسه مطبوعاتی تاریخ ایران و پرشمارگان‌ترین روزنامه کشور متعلق به این موسسه است.

اما درباره پرسش‌تان. می‌دانید که ما در همه جای دنیا با موضوع تغییر مدیریت و مالکیت رسانه‌ها مواجه هستیم و این موضوع، چیز تازه‌ای نیست. با توجه به اینکه رسانه‌ها در غرب و کشورهای دیگر عمدتا به بخش خصوصی تعلق دارند، بنابراین موضوع خرید و فروش رسانه‌ها موضوعی دور از ذهن نیست. خرید رسانه‌ها باعث شد که نام کسانی مثل مرداک بر سر زبان‌ها بیفتد. طبعا وقتی مالک رسانه‌ها تغییر می‌کند، احتمال تغییر سیاست هم بسیار وجود دارد و به همین دلیل پس از جنگ جهانی دوم بارها پیش آمده که تغییر مالکیت و مدیریت رسانه‌ها در کشورهای اروپایی، سبب اعتراض کارکنان، به‌خصوص تحریریه‌ها شده است. طرح موضوع‌هایی مانند «استقلال تحریریه‌ای» و مانند آن هم از جمله به همین دلیل بوده است. یعنی تحریریه‌ها نگران مداخله مدیران و مالکان در محتوا بوده‌اند و کوشیده‌اند به کمک راه‌حل‌هایی تا حد ممکن از دامنه این دخالت کم کنند، برای مثال یکی از این راه‌حل‌ها مشارکت در مدیریت و مالکیت است که لوموند و اشپیگل تلاش کرده‌اند آن را عملی کنند. به این معنی که روزنامه‌نگاران و کارکنان، مالک رسانه شوند و خودشان مقدرات را در دست بگیرند. «استعفا به قید وجدانی» هم راهکاری در همین بافت است. طبعا خیلی مواقع یک روزنامه‌نگار بنا بر دلایل شخصی مایل به استعفاست، اما در بعضی شرایط روزنامه‌نگار وادار به استعفا می‌شود. مثال بارزش اتفاقا نکته کانونی همین پرسش شماست. یعنی روزنامه‌نگار وارد روزنامه یا خبرگزاری با مختصات دیدگاهی الف می‌شود، سال‌ها با همین دیدگاه کار و تلاش می‌کند، اما ناگهان مواجه می‌شود با تغییر مالکیت و مدیریت و طبعا تغییر خط مشی از الف به. در چنین وضعیتی او بر سر دوراهی قرار می‌گیرد، بماند و برخلاف اعتقادش کار کند یا اینکه قرارومدار آغاز کار و زحمت سالیانش را نادیده بگیرد و استعفا دهد. تعبیر «استعفا براساس قید وجدانی» توضیح چنین وضعیتی است؛ استعفایی که هم به لحاظ موضوع و مضمون با استعفاهای متعارف فرق دارد و هم به لحاظ شرایط و امکانات. رسم بر این است که در چنین مواقعی حقوقی افزون‌تر از وضعیت استعفای معمولی به روزنامه‌نگار تعلق می‌گیرد، چون شرایطی ناخواسته، استعفا را بر او تحمیل کرده است. البته این راه‌حل بازه زمانی معینی را دربرمی‌گیرد، برای مثال یک یا دو ماه پس از روشن‌شدن تغییر خط‌مشی. بعد از این بازه زمانی، روزنامه‌نگاری که پذیرفته به‌کار ادامه دهد، دیگر نمی‌تواند به چنین قیدی برای استعفا متوسل شود.

ما متاسفانه در ایران عجالتا نمی‌توانیم به راه‌حل‌هایی از جنس راه‌حل اول، یعنی مشارکت روزنامه‌نگاران در مدیریت و مالکیت رسانه‌ای که در آن کار می‌کنند، امیدوار باشیم. دلیلش هم روشن است. اساسا قانون مطبوعات ما چنین راه‌حلی را برنمی‌تابد. یکی از ضعف‌های اخذ مجوز همین است. راه‌حل دوم هم تابه‌حال به‌صورت سازمان‌یافته در مطبوعات کشور اجرا نشده است. به‌عنوان یک سرآغاز و راه‌حل ابتکاری می‌شود پیشنهاد کرد که دولت این امکان را برای آن دسته از کارکنان روزنامه ایران و خبرگزاری‌های ایرنا و ایسنا که بنا بر اعتقادشان دیگر مایل به همکاری نیستند، فراهم کند که از امکان استعفا براساس قید وجدانی بهره بگیرند و به این ترتیب پایه‌گذار این سنت در کشور باشد. اگر دولت این کار را انجام دهد و در این راه با حسن‌نیت نسبت به روزنامه‌نگارانی که مخالف با او فکر می‌کنند رفتار کند، می‌توان امیدوار بود که اگر باز چند سال دیگر تغییر دیدگاه در دولت پدید بیاید، روزنامه‌نگارانی که با این دولت همسو و همفکر هستند، خواهند توانست از چنین امکانی برخوردار شوند. همین قاعده را می‌توان در روزنامه‌های نهادهای دیگر حکومت و شهرداری‌ها هم به‌کار بست. البته این راه‌حل قطعی نیست، اما از هیچی بهتر است.

ادامه در صفحه ۱۴

## جدول ۱۷۹۱

**افقی:**

۱- نوعی تجهیزات امنیتی، نظارتی مورد استفاده در منازل و شرکت‌ها برای تحت کنترل قرار دادن قسمت‌های مختلف آن مکان ۲- ماه هفتم سریانی- مجموعه تلویزیونی به‌کارگردانی «محمود معظمی» با بازی «مهدی فخیم‌زاده» و «افسانه پاکرو» که سال گذشته پخش شد ۳- زمین بایر فاقد مالک- فریاد- هر حادثه زیانبار و ناخوشایند ۴- گرفتار- مایه حیات- اصل و شالوده- چراگاه ۵- بت بی‌شرو پا! - آنکه شنا کردن بلد است- اندک- جهار من تبریز ۶- تلاش و کوشش- کوچک‌ترین واحد تشکیل‌دهنده تصویر- شهسوار ۷- نصف- بزدل- حشره سرخ‌رنگ ۸- دعای زیر لب- واحد فیزیکی- کاهگل- از حروف الفبای یونانی ۹- کمانگیر باستانی- سوغات ساوه- فارسی قدیم ۱۰- امضا- تبرک یافته- اندازه ۱۱- نوعی موسیقی غربی- رهاشده- عهد نامه و قرارداد- میوه باب گلو ۱۲- گیاه کوتاه- مظهر سبکی- دانه خوشبو- پایتخت توگو ۱۳- زن باحیا- قتل سیاسی- سخن آهسته ۱۴- دارالمجانین- شهرآورد ۱۵- کنایه از افزون کردن رنج و سختی

**عمودی:**

۱- تابع و پیرو دیگران- به‌طور کامل و با همه امکانات ۲- جانشین او- جد رستم- کشیش روسی که مدعی داشتن نیروی شفابخش بود ۳- مطابق با سنت، قاعده و قانون- کمیابی- بدل وضو ۴- عقیده- عدد ارشمیدس- روش- آسیب و صدمه ۵- شهری در آلمان- از دروس دبیرستانی- از شخصیت‌های کارتونی- سبزی غده‌ای ۶- ماشین جنگی- در مثل از آن کوه می‌سازند! - رفت و آمد مکرر و بی‌هدف ۷- دوشاب- روزگار بسیار پیش از این- هر نوع وسیله مصنوعی جانشین برای جبران نقص عضو یا حفظ زیبایی ۸- دکان کوچک- دروازه‌بان- بی‌سواد- غم و غصه ۹- نزدیک غروب آفتاب- وسیله حمل‌ونقل روی یخ و برف- رطوبت ۱۰- نام پسر گودرز پهلوان ایرانی- شوهر- وسیله‌ای برای پرواز در آسمان ۱۱- از درندگان- کجاست؟ - روزآمد- سوا ۱۲- راز بالا نشین! - به یکدیگر ساییده شده- حرف پوست‌کنده- نان نازک ۱۳- دارای ویژگی یا توانایی پایین آوردن دمای غیرعادی بدن- سرسرای هتل- خیمه بزرگ ۱۴- وزنه بردار- وسیله نوشتن- خوب نیست ۱۵- ادعای شایستگی یا حق دستیابی به آن- غمگین

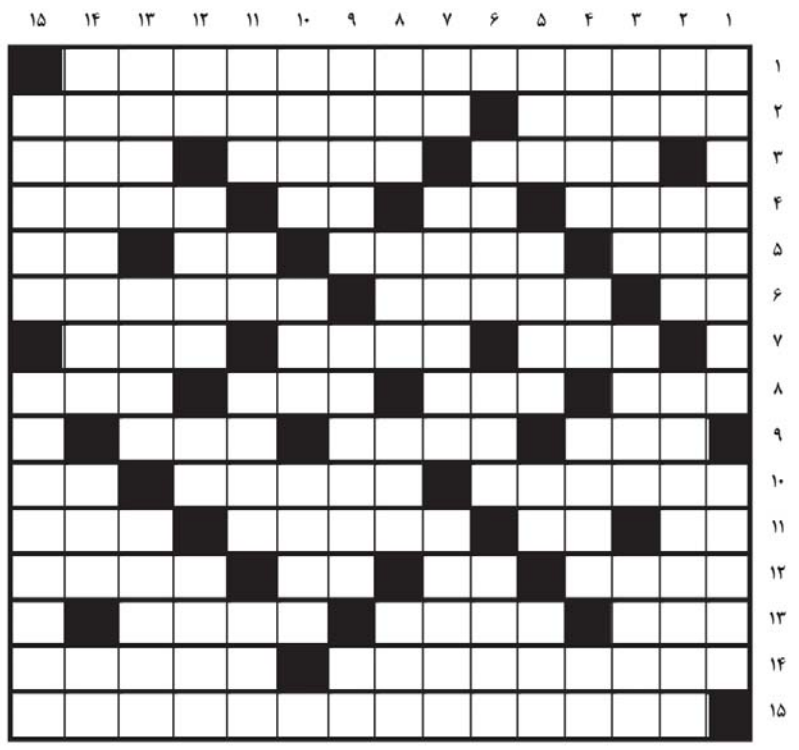

## جدول ۱۷۹۰

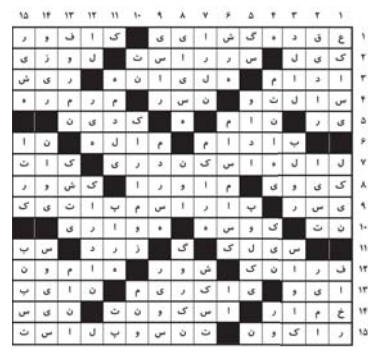

**قانون‌های حل جدول سودوکو:**

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

## سودوکو سخت ۴۴۳

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۵ | | | | ۳ | ۷ | | | |
| ۷ | ۶ | | ۱ | | | | ۲ | |
| | | | | | | | ۳ | ۶ |
| | ۲ | | | | | | ۱ | |
| | | | | | | | | ۳ |
| | | | ۹ | | | | | ۲ |
| | ۷ | | ۳ | | | | | |
| | ۴ | ۹ | | ۷ | | ۵ | ۸ | |
| | | | | ۴ | ۸ | | | |

## حل سودوکو سخت

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۸ | ۶ | ۱ | ۷ | ۴ | ۲ | ۹ | ۳ | ۵ |
| ۱ | ۷ | ۲ | ۹ | ۸ | ۳ | ۴ | ۶ | ۱ |
| ۴ | ۳ | ۵ | ۶ | ۱ | ۱ | ۷ | ۸ | ۲ |
| ۶ | ۴ | ۳ | ۱ | ۷ | ۵ | ۸ | ۲ | ۹ |
| ۲ | ۸ | ۷ | ۴ | ۳ | ۹ | ۱ | ۵ | ۶ |
| ۹ | ۱ | ۸ | ۲ | ۶ | ۸ | ۳ | ۴ | ۷ |
| ۷ | ۹ | ۴ | ۳ | ۲ | ۶ | ۵ | ۱ | ۸ |
| ۵ | ۲ | ۶ | ۸ | ۹ | ۴ | ۲ | ۷ | ۳ |
| ۳ | ۶ | ۱ | ۵ | ۷ | ۷ | ۸ | ۹ | ۴ |

**سودوکو**

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

## سودوکو ۷۹۴

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۸ | ۶ | ۴ | | | | ۲ | | |
| | | ۲ | ۴ | | | ۵ | | |
| | ۹ | ۳ | | | | | ۴ | ۶ |
| ۹ | ۴ | ۶ | | | ۷ | | | |
| | ۳ | | | ۶ | | ۴ | | |
| | | | ۸ | | | | | |
| ۶ | | | | | ۸ | ۱ | | |
| ۴ | ۸ | ۷ | | | ۵ | ۳ | | ۲ |
| ۳ | ۲ | | | ۴ | ۹ | ۶ | ۵ | |

## حل سودوکو ۷۹۳

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۲ | ۳ | ۶ | ۴ | ۷ | ۵ | ۸ | ۱ | ۹ |
| ۱ | ۴ | ۵ | ۹ | ۶ | ۸ | ۲ | ۳ | ۷ |
| ۸ | ۷ | ۹ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۶ | ۵ |
| ۶ | ۱ | ۲ | ۷ | ۹ | ۴ | ۵ | ۸ | ۳ |
| ۴ | ۵ | ۳ | ۲ | ۸ | ۱ | ۹ | ۷ | ۶ |
| ۹ | ۸ | ۷ | ۳ | ۵ | ۶ | ۱ | ۲ | ۴ |
| ۵ | ۹ | ۱ | ۸ | ۳ | ۷ | ۶ | ۴ | ۲ |
| ۳ | ۲ | ۴ | ۶ | ۱ | ۹ | ۷ | ۵ | ۸ |
| ۷ | ۶ | ۸ | ۵ | ۴ | ۲ | ۳ | ۹ | ۱ |